

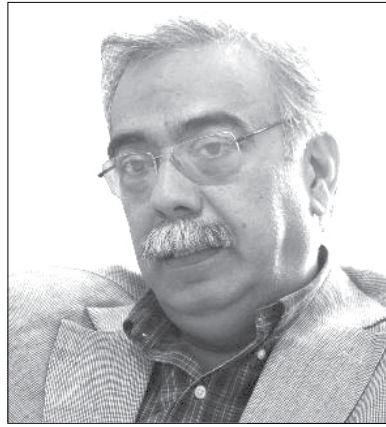
صنعت در مواجهه با سیاست‌های دولتی

"صنعت با این شیب سُر می‌خورد!"

مصاحبه ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس محسن شرکا، رییس خانه صنعت و معدن استان خراسان رضوی

اقتصاد ایران: آقای مهندس! صنعت کشور را در سال ۸۹ چگونه دیدید؟

یکی از موضوعاتی که در سال ۸۹ مورد توجه صنعت‌گران کشور بود، بحث هلفمندی یارانه‌ها بود. مسلماً مشکل و موضوع اصلی، اصلاح قیمت‌ها و هلفمندی یارانه‌ها نیست، بلکه نگرانی بابت نحوه اجرای طرح و عادت‌ها است که صنعت در سال‌های



گذشته به یارانه‌ها داشته است. این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها توسط صنعت‌گران به مسئولان کشور ابراز شده‌اند. انتظار صنعت‌گران این است که به این دغدغه‌ها توجه ویژه شود. اصولاً صنعت‌گران ایرانی به اقتصاد تولید محور معتقدند و این تولید به معنای عام آن اعم از کشاورزی و حتی خدمات است. در این راستا و با توجه به نگرانی‌های ناشی از هلفمندی یارانه‌ها، خواست صنعت‌گران کشور مبنی بر این است که اصلاح نظام مالیاتی و سیستم بانکی باید لاقبل به صورت همزمان با اصلاح قیمت‌ها پیگیری شود. به عقیده ما، این اصلاحات باید به عنوان پیش‌نیاز هلفمندی یارانه‌ها تلقی می‌شوند، ولی این اتفاق نیفتاده و قانون با همین شکل عملی شده و ما هم البته مطیع آن هستیم.

اقتصاد ایران: اصلاح نظام بانکی از نظر شما یعنی چه؟

در کشور ما بانک‌ها تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش واحدهای صنعتی را پرداخت نمی‌کنند، در حالی که این موضوع از چالش‌های جدی تولید در کشور ما است. تکنولوژی و ماشین آلات در کشور ما مشکل دارند و با این تکنولوژی بیمار، نمی‌توان بر اساس نرخ جدید، قیمت سوخت را پرداخت. در کنار این دغدغه‌ها می‌بینیم که بانک‌ها انقباضی عمل می‌کنند. به گزارش کمیسیون صنایع و معادن که اخیراً منتشر شده مراجعه کنید: بر اساس این گزارش، تسهیلاتی که بانک‌ها ملزم به پرداخت آنها به بخش صنعت بوده‌اند، سیر نزولی داشته و در سال ۸۹، علیرغم آن که باید در حدود ۳۳ درصد از منابع را به بخش صنعت اختصاص می‌دادند، این رقم ۸ درصد بوده است. شاخص بهای تولید کننده در سال ۸۴ برابر با ۲۸۱ بوده و این رقم در سال ۸۷ به ۴۱۲ رسیده است. همین شاخص در واسطه‌گری‌های مالی در سال ۸۴ برابر با ۲۶۷ بوده و در

نباشد، چگونه می‌توانم هزینه‌ها را بر مبنای فوب پوشش دهم؟ این مسأله هزینه‌ها را در کشور بالا می‌برد و طبیعتاً این موضوع، توجیه تولید را کاهش می‌دهد و به این ترتیب، واسطه‌گری‌های مالی توجیه پذیر می‌شوند. به نرخ‌های بهره کشورهای دنیا دقت کنید. آمریکا در اکتبر ۲۰۰۸ با نرخ بهره ۲/۵ درصد مواجه بوده و پس از بحران در ژانویه ۲۰۰۹ این نرخ را به ۰/۲۹ درصد رساند تا بتواند از بحران خارج شود.

دکتر بهمنی در ۱۴ اسفند ۸۷ گفت که تزریق نقدینگی به بخش تولید، به هیچ وجه تورم ایجاد نمی‌کند. ایشان همچنین معتقدند باید به سراغ تحریک عرضه برویم. حتی ایشان در بخشی از سخنان خود در همان تاریخ ابراز داشتند که اگر قرار باشد بین تورم و رکود یکی را انتخاب کنیم، قطعاً باید تورم را انتخاب کرد. هدایت یارانه‌ها به سمت تولید، سود تولید را به جیب مصرف‌کننده می‌ریزد. علت گرانی تولید چیست؟ ماشین آلات فرسوده، نرخ بالای تسهیلات و مسایلی از این قبیل، منجر به گرانی تولید شده و نیاز به نقدینگی بالا را پدید می‌آورند.

اقتصاد ایران: چرا گفته می‌شود کالای ایرانی رقابتی نیست؟

وقتی کشور ما به واسطه نرخ ارز پایین، یارانه را به واردات می‌پردازد، طبیعی است که صادرات رشد نمی‌کند. اگر یارانه را به تولید صادراتی بدهیم چه اتفاقی می‌افتد؟ بخشی از این مشکل که کالای ایرانی رقابت پذیر نیست، مشکل فرهنگی است. جدا از این مسأله، کمک‌های دولتی هم مطرح می‌باشند که حمایت‌های اقتصادی یکی از پارامترهای آن‌اند. در فروشگاه‌های ژاپنی، برنج تایلندی، آمریکایی و شاید ایرانی هم برای فروش موجود است، اما شهروند ژاپنی برای تشویق کشاورز کشورش، برنج ژاپنی را خریداری می‌کند. آیا در کشور ما هم از تولید توسط مردم و دولت حمایتی صورت می‌گیرد؟ علیرغم آن که اعتقاد ملی به تولید وجود ندارد، اما با این احوال، باز هم تولید کننده ایرانی تلاش می‌کند.

اقتصاد ایران: سال ۹۰ را چطور می‌بینید؟

شیب افزایش قیمت‌ها بسیار تندتر از آنچه که تصور می‌شد اتفاق افتاده و صنعت روی این شیب سُر می‌خورد. قیمت گازوئیل از ۱۶۵ ریال به یکباره به ۱۵۰۰ ریال رسیده است و طبیعتاً این موضوع از حد توان تولید کننده ایرانی بیرون است و اثرات جبران‌ناپذیری را در سال جاری و آینده بر جای خواهد گذاشت. اقتصاد ما آزاد نیست و این موضوع بر حاشیه سود تولید کننده فشار می‌آورد و نگران کننده است.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

سال ۸۷ به ۹۲۵ رسیده است. به عبارتی، واسطه‌گری‌های مالی در ایران بسیار بیش از صنعت رشد داشته‌اند.

از سال ۸۴ تا ۸۷، شاخص تغییر در تسهیلات اعطایی بخش صنعت و معدن با روند نزولی همراه بوده، در حالی که این موضوع در کشورهای دنیا برعکس است. ما حتی به اعداد و ارقام بسته سیاستی بانک مرکزی هم نرسیده‌ایم. در سال ۸۴ از محل اعتبارات، ۳۲/۱ درصد از آنچه سهم صنعت کشور بوده محقق شده است و این رقم در سال ۸۵ به ۲۷/۷ درصد، در سال ۸۶ به ۲۸/۲ درصد و در نهایت در سال ۸۷ به ۸/۱ درصد رسیده است.

اقتصاد ایران: آیا این موضوع اگر درست هدایت می‌شد، مشکلات برطرف می‌شدند؟

با توجه به این آمار و ارقام باید عرض کنم که اگر ۳۳ درصد سهمی که به صنعت از محل اعتبارات، به صورت قانونی اختصاص یافته در اختیار آن قرار می‌گرفت، اولاً بخش اعظمی از مشکلاتی را که امروز شاهد آن هستیم وجود نداشت و ثانیاً، در شرایط کنونی که تقاضا به واسطه یارانه نقدی در کشور افزایش یافته است، باید شرایط افزایش عرضه هم فراهم شود تا جوابگوی تقاضا باشد. این موضوع هم تحقق نیافته و در نتیجه، واردات و قاچاق کالاهای بنجل افزایش یافته است.

معلوم نیست دولت تا کی قادر خواهد بود با مباحثی همچون تعزیرات، تزریق کالا از انبار وزارت بازرگانی و واردات، قیمت‌ها را کنترل کند. به هر حال این اقدامات ضربه به تولید است. در سایر پروسه‌های تولید هم همین‌طور، دستمزدها، سوخت، انرژی و موارد متعدد دیگر، همگی در این روند افزایش می‌یابند و صنعت را فلج می‌کنند.

اقتصاد ایران: چرا بازدهی صنعت آنقدر پایین است که مثلاً واسطه‌گری‌های مالی بهتر عمل می‌کنند؟

دولت قصد دارد ظرف ۵ سال هزینه‌ها را به فوب خلیج فارس برساند. این مسأله یک معنای دیگر هم دارد و آن این است که دولت قصد دارد در ۵ سال آینده، درآمد سرانه ایرانیان را به حوزه خلیج فارس برساند. این هم طبیعی است که وقتی درآمد من شهروند در حد کشورهای خلیج فارس